

جہ کسی از ویر حینا وولف مے ترسد - مانک نیکلاس - ۱۹۶۶

بسمار تا (الیزابت تیلور): دیوانگی تنها پناهگاهی است که وقتی دروغ‌های دنیا رومون سنگینی می‌کند به اون پناه می‌بریم.



بابک زمانی
نورولوژیست

هفته گذشته اعلام مزایده فروش عرصه و اعیان یک بیمارستان خصوصی بزرگ در شمال شهر تهران خیرساز شد؛ به‌ویژه آنکه هفته پیش‌تر هم یک بیمارستان دیگر در شمال شهر طعمه حریق شده بود.

معلوم نیست تشت سیستم سلامت در کشور باید چگونه صدایی ایجاد کند که همه صدای این سقوط را که حاصل سال‌ها کج‌راهه است، بشنوند.

در شرایطی که فضاهای درمانی کشور و شهرهای بزرگ دچار کمبود کمی و کیفی در خور توجهی هستند و در حالی که بسیاری از فضاها و امکانات سیستم سلامت کشور تغییر کاربری یافته و زیاتر و فرح انگیز شده؛ اما نه به

سلامت و بهداشت که به زیبایی شهروندان اختصاص یافته است، بی تردید نگاهش حتی یک تخت بیمارستانی خود مسئله‌ای بزرگ به شمار می‌رود، چه برسد به تعطیلی یک بیمارستان بزرگ؛ اما فاجعه بزرگ‌تری که این تعطیلی حکایت می‌کند، ابعادی بسیار مهم‌تر و فاجعه‌آمیز از حذف بخشی از فضاها و درمانی کشور دارد.

این سرنانجام راهی است که از سال‌ها پیش شروع شد و سیستم سلامت کشور را از شکل یک نهاد خودسامان خارج کرد. راهی که با انکار اقتصاد در سلامت تحت شعارهای غیرعلمی دولت رفاه شروع شد و نهایتاً به شیوه‌های مختلف شبه‌برده‌داری در سیستم دولتی و ترویج شبه‌علم برای کاهش هزینه‌ها و تسویق غیرمستقیم پرزکشان به مهاجرت یا روی آوردن به کارهایی با ولایت کمتر (از نوع زیانی) انجامید.

اگر پیشرفت‌های خیره‌کننده بین‌الملل طب در سال‌های اخیر از طرف زنان مردمانی از سراسر کنی (از جمله ایران) رخ نمی‌داد و این تکنولوژی را هرچه بیشتر و بیشتر user friendly نمی‌کرد و به رایگان در دسترس جهان حتی آنها که فکر یا مشرک درباره دانش (قابل به شریک برای دانش) هستند، قرار نمی‌داد، قطعاً سیستم سلامت کشور در قطع ارتباط کامل با دنیا قادر به زنده ماندن نبود.

همین حالا هم یک مطالعه دقیق هزینه- فایده سیستم سلامت کشور
ممکن است نتایجی به شدت حیرت آور نشان دهد.

سال‌هاست سرمایه در کارهای درمانی سودآور نیست. سال‌هاست مراکز خصوصی امورات روزمره خود را از کارهایی می‌گذرانند که هرچه بیشتر و بیشتر با اولویت‌های سلامت فاصله می‌گیرند. رشته‌های داخلی مقصود رشته‌هایی که تنها بیماران را ویزیت می‌کنند و هیچ‌گونه کار عملی ندارند. سال‌ها پیش در بیمارستان‌های خصوصی منسوخ شد. حتی در شرایطی که

[illegible]

بزرگ خانواده و سیستم ارجاع در کشور ما جایی ندارد. بیمارستان‌های آموزشی دولتی در تنگدستی مطلق و درحالی‌که به بیکاری دستیاران و ممرضات علمی‌تماموقت متکی هستند، در فضاهای تنگ و بی‌روشنه در حال درمان جان طغیانی از بیمارانی هستند که هیچ ملجا و موای دیگری ندارند. ممکن است در آینده بسیاری از مراکز خصوصی دیگر هم به این تیکه برسند که در تنگدستی موجود و به‌کارگیری انواع متعدد منطقی‌تر آن است که عرصه را عیان بیمارستان‌ها با زهرشوند تا اگر سودی عاید سهامداران نمی‌کنند، به دستم‌گرفته‌های مجرب اینان نگذارند. این کار را نکنند، شاید همین بعد از صدکوم‌قضای منجر به این کار شوند. از همه هزانه‌ها اینکه عدم تبیین و تحقق هزینه‌های درمان در بخش خصوصی قطعا بر میزان منابع مالی‌ای که به بیمارستان‌های دولتی و دانشگاهی اختصاص می‌یابد هم تأثیر خواهد گذاشت. تعیین قیمت هر کالا به‌ویژه اگر دولت بخواهد آن را تهیه کند، جز با نگرانی‌های به‌بازار آنگارنیدر پیوسته.

در حین این پاسخی است به اقتصاددانانی که بدون تحلیل مشخص از وضع اقتصاد سلامت در کشور خواهان دولتی شدن کامل سلامت در کشور بودند و کار «آی‌سی‌یو»هایی را که به دالایل اقتصادی دارد درهایشان به روی مردم بسته می‌شود، تجارت ترک می‌کنند!

فروش عرضه و اعیان یک بیمارستان بزرگ خصوصی در شهر تهران که با رعایت باید گسترش می‌یافت و پزشکان جوان بیشتری را به کار می‌گرفت و شعباتی در داخل و خارج کشور تأسیس می‌کرد، حتی به دلیل سومنیریت یا حتی کلاهبرداری هم که باشد، نشانه‌ای از تشدید مشکلات سیستم سلامت کشور است که طبیعتاً خود را ابتدا در ضعیف‌ترین حلقه نشان می‌دهد؛ اما:

تزیید به همین ختم نخواهد شد.

آکادمی

عرصه و اعیان سلامت در کشور

توفان در فَنجان چای



امیر سیدین

بیانیه بحث برانگیز ۱۱۰ فعال سیاسی و اجتماعی شوق نمادینی داشت، آنجا که نویسندگان بیانیه خود را با کلماتی مثل «اصلاح‌جو» یا «اصلاح‌گر» خطاب کردن شاید بدین معنا که حتی در نام هم تفاوت روشنی با اسلاف خود، اصلاح‌طلبان، داشته باشند. این بیانیه با موضوعیت دعوت به مشارکت در انتخابات را تا امروز باید آخرین نمونه از جدادکردن «روش سیاست‌ورزی» در درون جناح چپ دانست، همان‌گونه که در دوره‌های قبلی انتخابات هم، صداهای جدیدی با نقد عملکرد رهونی بر جای، راه جادسری پیش می‌گرفتند (کاری که معمولاً هدف تحکیم وحدت و شش‌خا-نچوبی جناح چپ است). اتهام می‌رانی، تاریخ انشقاق‌های درون جناح‌های اسلامی را احتمالاً باید از همان سال‌های

جست و جو کرد. حری که دو هفته پس از پیروزی انقلاب، اعلام موجودیت کرد و مهترین تشکل مسلمانان انقلابی، حضرت آزادی ایران، حزب توده، گروه‌های چپ‌گرا و ملی‌گرا در دهه نخست جمهوری اسلامی بود. اما اختلافات درونی ۶۶ آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و اکبر هاشمی رفسنجانی در نامه‌ای به بنیان‌گذار انقلاب تأکید کنند که «ممکن است با اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت شود و حتی نیروها را صرفاً با مقابله با یکدیگر و انقلاب، جمهوری اسلامی منحل شد و نیروهای داخل آن عمدتاً در دو گروه فعالیت‌های خود را ادامه دادند.

مام رفتند و از این انشعاب اعلام خطر کردند و مهدوی‌کنی، دبیر کل جامعه روحانیت مبارز ضمن ابراز «تردید درباره موافقت امام» با این انشعاب، آن را «خلاف محک‌های دیدگاه‌های نشان مبنی بر اتحاد و اتفاق» دانست.

از سوی دیگر برخی شخصیت‌های سرشناس غیرعضو مثل ای‌الله موسوی اردبیلی، یوسف صانعی، محمد مجابی خراسانی، سید مصطفی محقق‌اماد و البته میرحسین موسوی از آن اعلام حمایت کردند. به هر روی علی‌رغم این درگیری‌های سیاسی، مجمع روحانیون مبارز به عنوان مهم‌ترین تشکل جناح چپ پای به عرصه سیاسی گذاشت و تا بهار سال ۱۳۷۰ به عبارتی یگانه پرچم‌دار جناح موسوم به چپ در داخل جمهوری اسلامی بود. در سال ۱۳۷۰، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در سال ۶۱ به واسطه اختلاعات جدی بین دو طیف راست (که چهره‌هایی مثل حسین فدایی، محمدباقر ذوالقدر، محسن ضایعی و احمد توکلی آن را نمایندگی می‌کردند) و طیف چپ (که بهزاد نبوی، محسن رزمین، فیض‌الله عرب‌سرخی و محمد سلامتی چهره‌های شاخص آن بودند) عملاً منحل شدند بود، توسط طیف چپ سازمان احیا شد و نقش مهمی در راهبری طیفی از جناح چپ در سال‌های بعد ایفا کرد و تحولات بعدی نشان داد که سازمان مجاهدین انقلاب، در عمل تفوق مجمع روحانیون مبارز در راهبری جناح چپ جمهوری اسلامی را کم‌رنگ کرده است. با پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶، قریب به اتفاق چهره‌های شاخص سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی وارد دولت شدند و نقش مهمی در مدیریت ارکان مختلف دولت اصلاحات ایفا کردند. پیروزی غیرمنتظره و پرشور سیدمحمد خاتمی، کنایدهای مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و بخشی از تکنوکرات‌های طیف راست که با قالب کارگزاران سازندگی می‌کردند، منتهی به ظهور یک تشکل خواسته‌از بین نیروهای چپ را نیز می‌ساخت. شکلی که البته پیش از هر چیزی، از بین نیروهای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و در کنار بخشی از نیروهای که مهم‌ترین شاخه‌ان آنان همراهی در اشغال سفارت آمریکا بود، با کفایت، طیف متنوعی که سعید جباریان -با اشاره به حضور عباس عبادی و عباس دوزدوزانی در این تان- آنها را «بین‌العباسین» نامید، هیئت مؤسس این حزب را تشکیل می‌دادند که در زمان اکثر آنان جوانانی در سال‌های پایانی دهه ۳۰ و آغازین دهه ۴۰ عمر خود بودند. هرچند در ادامه فعالیت، حزب را عملاً همان جوانان فعال در اشغال سفارت آمریکا در سال ۵۸ اداره کردند و اعضای سازمان مجاهدین انقلاب همچنان نقش پررنگی در حزب مشارکت داشتند که بسیاری جبهه مشارکت را عملاً شاخه عمومی سازمان مجاهدین انقلاب می‌دانستند. جبهه مشارکت ایران اسلامی، عملاً به بزرگ‌ترین حزب فعال سیاسی در دوران فعالیت دولت اصلاحات تبدیل شد و در انتخابات مجلس ششم نیز اکثریت

سحر طلوعی: ما به چهار گوشه جهان سر می‌زنیم و خبرهایی را که کمتر دیده شده است، مرور می‌کنیم.

آمریکا: فردای روزی که قاضی دادگاه برای پرونده کلایدرداری ترامپ در نیویورک حکم ۳۵ میلیون دلاری صادر کرد، او از راننداختن خط تولید اسنیکر طلایی با برد خود خبر داد. ترامپ، اسنیکرها (کفش های بافتن در) طلایی دارد که در گذشته برای بدلیلادفایا رونمایی کرده است. فردا دو دوست دوازدهم جشن بزرگاری کند و بالاخره انجام داد. این کفش های طلایی با درج شعار «هرگز تسلیم نشو»، پرچم آمریکا پشت ساق آنها و با قیمت ۳۹۹ دلار عرضه می شود. ترامپ پیش تر طرهای با برند وکتوری و ۴۷ هزار باره کرده است. اگر ترامپ در انتخابات برنده شود، چهره وهفتمین رئیس جمهور آمریکا خواهد بود. در اتفاقی درجه ۱۱ این قاره پس از ۵۱ سال کیتارباس هافتر متعلق به بل مکارتنی از گروه موسیقی بیتل ها پیدا شد. این کیتارباس در نخستین آلبوم گروه بیتل استفاده شده بود. سال گذشته کمپینی برای پیدا کردن این وسیله موسیقی برپا شد. کیتارباس هافتر تنها در دو آهنگ «آه تو را دوست دارم» و «همه عشق من» به کار گرفته شد. در سال ۱۹۷۲ به سرعت رفت. کسی با شرکت بل مکارتنی تماس گرفته

نوبین، که انتشارات دانشگاه اکسفورد آن را منتشر کرده است، نویسنده ابتدا به تعاریف کلی اشاره کرده است. او اصطلاح تفکر انتقادی را دارای دو معنای کاملاً مختلف با ریشه‌های متفاوت می‌داند. از منظر او معنای «تفکر انتقادی» ریشه در علوم اجتماعی/انسانی و همچنین ریشه در دغدغه دارد. در دغدغه دیگری از کتاب به نقش و تأثیر معرفت‌شناسی در زندگی روزمره انسان، ناظر بر ابزارهای معرفتی مانند عقل، شهود، حس و تجربه پرداخته می‌شود. کتاب پیش از آنکه به‌طور مستقیم مسئله ارتباطات را در جهان مدرن رسانه‌ای شده مورد توجه قرار دهد، بازتاب رسانه را در متن جابجاء مورد توجه قرار می‌دهد. با مطالعه کتاب می‌توان دریافت که حضور و بروز و کنش رسانه‌های مدرن به فضای مجازی ربط پیدا می‌کند. کتاب از این دریچه، فضای مجازی را عرصه تام رسانه‌های قلمداد می‌کند؛ آنجا که قیمنیوزها به‌مثابه آسیب امروزین عرصه ارتباطات محسوب می‌شوند. دکتر محمدرضا رسولی و دکتر یویا نعمت‌اللهی که ترجمه این کتاب را به‌صورت مشترک آغاز کردند و سپس این کتاب در ۴۴۰ صفحه با قیمت ۲۶۰ هزار تومان توسط انتشارات سیمای شرق به چاپ رسید.

به تازگی کتابی مربوط به حوزه رسانه‌ها منتشر شده است که به تفکر انتقادی به عرصه رسانه‌های نوین می‌پردازد. نام کتاب «کاربست تفکر انتقادی در رسانه‌های نوین» است که «لوئیس وائون» آن را نوشته و با ترجمه دکتر محمدرضا رسولی و دکتر رویا باغچه‌بالی به چاپ رسیده و در شانزدهمین همایش روزنامه‌های عمومی ایران، کزنوبک، رونمایی شده است. در این کتاب به رابطه کلی تفکر انتقادی در رسانه‌های نوین پرداخته شده و از زوایای مختلف این بحث جذاب مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. در سال‌های اخیر به واسطه ظهور و گسترش رسانه‌های نوین در ایران و همچنین در سایر کشورها موضوع مطالعات انتقادی از جمله «تفکر انتقادی» به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. «تفکر انتقادی» تابعی از سنت‌های آکادمیک فلسفی و جامعه‌شناختی است که می‌تواند تبدیل به موضوعی جذاب برای دانشجویان، پژوهشگران و فعالان حوزه علوم ارتباطات، جامعه‌شناسی، فلسفه و علاقه‌مندان مطالعات رسانه‌های نوین باشد. اما با توجه به تازگی این بحث، نیاز اندکی همواره برای مطالعه فعالان رسانه‌ای و دانشجویان و پژوهشگران این حوزه به چشم می‌خورد. در کتاب «کاربست تفکر انتقادی در رسانه‌های

پیشخوان

تفکر انتقادی در رسانه‌های نوین

◆ نمایش «بندشش» که روایتی از وضعیت مخوف زندان کمیته مشترک ضدخرابکاری در دوران پهلوی است، به مناسبت دهه فجر در موزه عبرت ایران واقع در میدان امام خمینی در حال اجراست.

عکس: محسن رنگین کمان، مہر

کریسی‌های مجلس را درو کرد. مجلس ششم همان مجلسی بود که اختلافات بین حزب مشارکت و نمایندگان وابسته به آن با طیف سنتی جناح چپ که مهدی کروبی در کسوت دبیر کل مجمع روحانیون مبارز و از روی ضد ملیت ریاست مجلس آن را نمایندگی می‌کرد، بارها رخ نمود. اختلافاتی که مخالف مهدی کروبی با رد اعتبارنامه حاداعادن توسط نمایندگان اکثریت نقطه آغاز آن، با مخالف مهدی کروبی با اصلاحیه قانون مطبوعات از نقاط شاخص آن و هم‌همراهی کروبی با نمایندگان رد صلاحیت شده در روزهای پایانی مجلس نقطه پایان آن بود. این اختلافات بعد از مجلس ششم هم ادامه داشت تا جایی که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴، جبهه مشارکت مصطفی معین را به عنوان نامزد در برابر مهدی کروبی معرفی کرد که او نیز کاندیدای ریاست‌جمهوری شده بود و عملاً هر تلاشی برای رسیدن به کاندیدای واحد بین نیروهای که مصطفی معین، مهدی کروبی، محسن خورشیدزاده یا علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی کاندیدای آنها بودند، ناکام ماند. نتیجه اینجاست که برای خلع‌وتود اصول سیاسی آن سال، رسیدن محمود احمدی‌نژاد به کریسی ریاست‌جمهوری و کنارماندن جناح چپ را ساختار قدرت - دست‌کم تا امروز - به شایسته‌ترین پیشنهاد مهدی کروبی، برای انتقاد نظر بر چهاره‌ای مثل محمدعلی جعفری که حمایت کبر هاشمی‌رفسنجانی را هم با خود داشت، از سوی دیگر بازگیران آن روزها و به ویژه حامیان مصطفی معین پذیرفته می‌شد، آینده سیاسی کشور طور دیگری رقم می‌خورد.

همه چیزها با صف‌های بازی سیاست خودشان می‌شدند. هر روزی آن روزها گذشت و نقطه حطف «سال ۸۸» رسید. بعد از انتخابات سال ۸۸، موج هشتادی که بعد از آن رخ داد، سازمان مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت ایران اسلامی، به حکم دادگاه منحل شدند و مجمع روحانیون مبارز عملاً به حاشیه سیاست رانده شد. اما پنج سال بعد از رویدادهای ۸۸، جمعی از جوانانی که پیش از آن در شاخه جوانان جبهه مشارکت فعال بودند، در مرداد سال ۹۲ درخواست مجوز حزبی که حزب ندای ایرانیان نام گرفت را به وزارت کشور ارائه کردند. اقدامی که موجی از مخالفت بین اعضای مسن‌تر حزب مشارکت سابق و درگیری‌های فزاینده بر رایجیت و اتهامات گسترده، از خیانت تا انحراف از روزی آنان متوجه

دعوی حزب تازه‌تأسیس کرد.

آنها که حزب مشارکت را هویت سیاسی خود می دانستند و تشکیل هر تشکل اصلاح طلبی بر خاسته از آن را خیانت به حزب مشارکت قلمداد می کردند و مورد حمله و نفیر می دادند. البته قریب به یک سال بعد و در فروردین ۹۴ مجوز حزب اتحاد ملت را دریافت کردند و هرچند اولین دبی رکل این حزب در اولین مجمع عمومی آن تصریح کرده که «اتحاد ملت» نام مستعار هیچ حزبی نیست» بسیاری را از ادامه حزب مشارکت بازدارد و می دانند.

جناح چپ جمهوری اسلامی، حالا و بعد از ۴۵ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷ گذشته، عملا از مرکز ثقل قدرت در جمهوری اسلامی حذف شده و بازی قدرت در دست دیگری برقرار است، بدون حضور تقریباً هیچ یک از کسانی که نسبتی با جناح چپ همۀ اشعاعی و اشتقاقی آن دارند. در چنین شرایطی باز هم در آستانه یک انتخاب دیگر و همۀ آنضاج همی ربطی بین آن انتخابات و طیف متنوع جنبشهای جناح چپ نمی توان جست. در بیانیه ۱۱ امضای اخیر در خصوص «روزنه گشایی» و حضور در عرصه های انتخاباتی را می توان نخستین بارقه های یک اشعاع دیگر در جناح چپ حالا طرد شده هم از سوی مردم و هم از سمت حاکمیت دانست. باید نشست و دید حملان پیام «روزنه گشایی» که در اتفاقا مثل همه اشتقاق ها و اشعاع های قبلی، محمل دعوا و اختلافات بسیاری بین سمت چپ نیروهای سیاسی بیرون از قدرت شده اند، مانند کارگزارانی سازندگی که در آستانه برگزاری مجلس پنجم متوجه ظهور کرد و شکل گرفت، در قالب صاحبان قراردادی از اصلاح طلبی به شکل می یابند یا این بیانیه، صرفا توفانی در فوج جناح چپ نهی از قدرت جناح چپ است.